

تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران و آثار آن

مصطفی قاسمی

کارشناس ارشد روابط بین‌الملل

چکیده

از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون همواره ایالات متحده آمریکا به اعمال تحریم‌های مختلف اقتصادی یکجانبه و وضع قوانین و مقررات گوناگون علیه نظام جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. در چند سال اخیر نیز آمریکا با بهانه قرار دادن فعالیت‌های هسته‌ای ایران تلاش‌های زیادی را برای محروم کردن کشورمان از دستیابی به فعالیت‌های هسته‌ای انجام داده است و با فشار بر کشورهای اروپایی، چین و روسیه تحریم‌هایی را علیه ایران در شورای امنیت به تصویب رسانده است. پس از همکاری‌های گسترده ایران با آژانس، روسیه و چین به این نتیجه رسیدند که وقتی ایران به سؤال‌های آژانس پاسخ می‌دهد دلیلی برای اعمال تحریم‌های جدید علیه این کشور در شورای امنیت وجود ندارد. شاید به همین دلیل باشد که آمریکا و غرب برای پیشبرد اهداف خود، تحریم‌های یکجانبه را دنبال می‌کنند و در این راستا تحرکات نوینی جهت تشدید تحریم‌های مالی علیه ایران و تسریع فشار علیه شرکت‌های ایرانی صورت گرفته است.

با توجه به اینکه کشور ما نزدیک به ۳۰ سال است که مورد تحریم آمریکا قرار دارد می‌توان گفت که در دور جدید تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران و مؤسسات ایرانی عملاً اتفاق جدیدی نخواهد افتاد جز آنکه از طریق فضا سازی علیه ایران هزینه‌های معامله با ایران را بالا ببرند. اینکه گفته می‌شود عملاً اتفاق جدیدی رخ نخواهد داد، به این معنی نیست که به آثار اقتصادی این تحریم و افزایش هزینه‌های آن بی‌توجه باشیم بلکه اساس، طرح این نکته است که آمریکا با آنگاهی به آثار تحمیل هزینه به اقتصاد ایران از طریق اعمال تحریم‌ها، تلاش دارد تا اقتصاد کشور را ناکارآمد سازد.

واژگان کلیدی: تحریم اقتصادی، انرژی هسته‌ای، شورای امنیت، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، تحریم یکجانبه.

همزمان با تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران، کشورمان در ادامه روند شفاف‌سازی‌های فعالیت‌های هسته‌ای خود، همکاری‌های خود با آژانس را بی‌توجه به جنجال آفرینی‌های غرب ادامه داد. مذاکرات با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اجماع گروه ۱ + ۵ را علیه برنامه هسته‌ای ایران برهم زده است. پس از همکاری‌های گسترده ایران با آژانس، و تایید صلح آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران از طرف آژانس و ۱۶ نهاد جاسوسی و اطلاعاتی آمریکا، روسیه و چین به این نتیجه رسیدند که وقتی ایران به سؤال‌های آژانس پاسخ می‌دهد دلیلی برای اعمال تحریم‌های جدید علیه این کشور در شورای امنیت وجود ندارد. در حالی که آمریکا به طور یکجانبه دامنه تحریم‌های جدیدی را علیه جمهوری اسلامی ایران گسترش داده است و بر اساس آن ۲۰ شرکت، بانک و فرد ایرانی و نیز وزارت دفاع ایران تحت تحریم‌های واشنگتن قرار می‌گیرند.

تحریم‌های یکجانبه آمریکا که به استناد مصوبات کنگره آمریکا و تلاش‌های مجلس سنای آمریکا صورت می‌گیرد نه تنها علیه نهادها و موسسات ایرانی بوده بلکه علیه آنانی است که با نهادها و موسسات ایرانی اعلام شده، تجارت می‌کنند. آمریکا با قرار دادن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که بخشی از نیروهای مسلح رسمی و قانونی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود در فهرست داخلی گروه‌های تروریستی اعلام می‌کند آن دسته از شرکت‌ها و بانک‌هایی که با سپاه پاسداران و شرکت‌های وابسته به آن و بانک‌های ملی، صادرات و سپه ایران معامله می‌کنند، مورد تحریم واقع خواهند شد.

هدف این مقاله نیز بررسی این تحریم‌ها و تاثیر آن بر کشورمان می‌باشد. از این رو در بحث حاضر نخست به بررسی تحریم و هدف‌های کاربرد آن خواهیم پرداخت. در ادامه ضمن بررسی و مرور تحریم‌های آمریکا علیه ایران، اهداف آمریکا از اعمال این تحریم‌ها علیه کشورمان و نیز تاثیر این تحریم‌ها بررسی خواهد شد.

تحریم اقتصادی و هدف‌های کاربرد آن

تحریم‌های اقتصادی به عنوان ابزاری برای ارتقای منافع سیاست خارجی یک کشور، در میانه طیفی قرار می‌گیرد که در یک سوی آن دشوارترین اقدام‌های قهرآمیز از جمله توسل به نیروی نظامی، اقدام‌های سری و یا تهدید به توسل نیروی نظامی است و در سوی دیگر، تدابیر

دیپلماتیک، اخراج دیپلمات‌ها، احضار سفیر، اعتراض رسمی دیپلماتیک و به تعلیق درآوردن مبادلات فرهنگی است.

به این ترتیب، عبارت «تحریم‌های اقتصادی» به معنای اقدام‌های غیرنظامی است که بر انتقال کالا، خدمات و یا سرمایه به یک کشور خاص، تأثیر نامطلوبی می‌گذارد و هدف از برقراری آن، تنبیه یا مجازات و یا وادار ساختن آن کشور به تطبیق خود با هدف‌های سیاسی دولت تحریم‌کننده و یا بیان ناخرسندی تحریم‌کننده از اقدام‌ها و رفتارهای آن کشور است. در توجیه تحریم، دلایل فراوانی بیان می‌شود که عبارتند از: تمایل به تأثیرگذاری در سیاست‌ها یا حتی تغییر نظام یک کشور، تنبیه و مجازات یک کشور به علت سیاست‌هایش، نشان دادن مراتب مخالفت نمادین با سیاست‌های کشور هدف به دلایل مختلف، دادن اطمینان خاطر به مخاطبان در کشور تحریم‌کننده که دولت آن کشور با سیاست‌های کشور هدف مخالف است و تفهیم کشور هدف و متحدان بالقوه اش در اجرای عملیات لازم بر ضد آنان.

یکی از هدف‌هایی که بیش از بقیه مطرح است، تغییر سیاست‌های کشور هدف است، اما سایر هدف‌ها شامل ارتقای حقوق بشر، مقابله با تروریسم و جلوگیری از اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی است. هدف دیگر، ایجاد بی‌ثباتی در کشور هدف است که مقصود از آن ایجاد تغییر در نظام سیاسی آن کشور است.^۱

بررسی تحریم‌های ایالات متحده آمریکا علیه ایران

طرح و اعمال تحریم‌های گوناگون از سوی ایالات متحده آمریکا و متحدان آن برای مه‌ماه جمهوری اسلامی ایران در شرایطی صورت می‌گیرد که طی سال‌های گذشته همواره این کار بر عهده واشنگتن بوده است. دلیل آغاز این تحریم‌ها به ماهیت ضد آمریکایی انقلاب اسلامی بازمی‌گردد که مناسبات ایران و آمریکا را از حالت عادی خارج ساخت.

به همین دلیل از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون همواره ایالات متحده آمریکا به اعمال تحریم‌های مختلف اقتصادی و وضع قوانین و مقررات گوناگون علیه نظام جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. از این رو در این بخش به بررسی و مرور تحریم‌های آمریکا علیه ایران می‌پردازیم.

ایالات متحده آمریکا از زمان انقلاب و حادثه گروگانگیری در ۴ نوامبر ۱۹۷۹ تحریم‌هایی را علیه ایران اعمال کرد و در گذر زمان، این تحریم‌ها را تقویت نمود. آمریکایی‌ها یک ماه پس

از شروع حصر اقتصادی، به دستور کارتر، تمام اموال و داراییهای ایران را، که در مؤسسات مالی و بانکهای امریکایی نگهداری می‌شدند، مصادره کردند و حسابهای بانکی ایران را به طور کامل مسدود نمودند.^۲

از جمله دکترین‌هایی که علیه ایران در ایالات متحده به تصویب و اجرا درآمده است، دکترین «استراتژی مهار» (Containment Policy) ریگان است که یکی از مهم‌ترین ارکان آن، محدود کردن کشور هدف، در بُعد اقتصادی و کاهش قدرت مالی آن کشور است.

در بُعد اقتصادی دکترین استراتژی مهار، کارشناسان ایالات متحده روش‌های ذیل را برای تضعیف توانمندی‌های مالی ایران پیشنهاد داده‌اند:

- ممانعت از دستیابی ایران به تکنولوژی‌های پیشرفته به‌ویژه در بخش‌های هسته‌ای، شیمیایی، فضایی و الکترونیک؛

- اعمال مجازات‌های سنگین علیه سرمایه‌گذاری مؤسسات، شرکت‌ها، افراد حقوقی و حقیقی آمریکایی در صنایع نفت و گاز و صنایع مرتبط با انرژی در ایران؛

- جلوگیری از اعطای وام به ایران توسط مؤسسات مالی جهانی نظیر صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و...؛

- بلوکه کردن کلیه اموال و دارایی‌های ایران در آمریکا؛

- مسدود کردن حساب‌های بانکی ایران در بانک‌های آمریکایی در داخل و خارج آمریکا؛

- ممنوع نمودن ورود هر نوع کالای ایرانی به آمریکا و صدور هر نوع کالای آمریکایی به ایران؛

- جلوگیری از دستیابی ایران به تکنولوژی‌های دو منظوره؛

- تحریم خرید نفت و هرگونه معامله مالی و پولی با ایران؛

- ممنوع کردن انتقال اعتبارات و مبادله ارز با ایران؛

- اعمال مجازات‌های سنگین علیه شرکت‌ها و مؤسسات غیرآمریکایی که به ارتقای توان

ایران برای توسعه منابع نفت و گاز کمک می‌کنند؛

- اعمال تحریم علیه کشورها و مؤسسات خارجی که بیش از ۴۰ میلیون دلار در سال، در

صنایع انرژی ایران سرمایه‌گذاری کنند؛

- مقابله جدی و مستمر با گسترش روابط اقتصادی ایران با کشورهای پیشرفته؛

- حمایت از رقبای اقتصادی ایران در سطح منطقه و جهان و تقویت آن‌ها در مقابل ایران؛

- تبلیغات وسیع برای ناامن جلوه دادن اغراق‌آمیز اوضاع داخلی ایران با هدف جلوگیری از

سرمایه‌گذاری مؤسسات تجاری و مالی سایر کشورها در ایران؛

آمریکایی‌ها از سال ۱۳۷۰ تا سال ۱۳۷۹ در حدود ۳۹۰ مورد موضع‌گیری رسمی در رابطه با تضعیف توانمندی‌های ایران داشتند که به واسطه آن‌ها هرگونه همکاری سایر کشورها و مؤسسات خصوصی با ایران مورد تهدید قرار گرفته است.

«رابرت پلیترو» معاون وزیر خارجه ایالات متحده در تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۷۳ اعلام کرد: «آمریکا مصمم است از تمام امکانات و ابزارهایی که در اختیار دارد، برای تضعیف توانایی‌های مالی و اقتصادی ایران استفاده نماید. یکی از شیوه‌های ما ممانعت از استمهال بدهی‌های ایران توسط متحدانمان است. هر چقدر که از دسترسی ایران به منابع و اعتبارات مالی جلوگیری کنیم، در جهت امنیت کلی خلیج فارس حرکت کرده‌ایم.»^۳

۱. مهار دوجانبه و قانون داماتو

با پیروزی بیل کلینتون در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا رویکرد کمک به دموکراسی، توسعه بازار آزاد، گسترش لیبرال دموکراسی و ارزش‌های آمریکایی تبدیل به اصول سیاست خارجی این کشور شد و موضع‌گیری‌های خصمانه آمریکا علیه ایران تداوم یافت. در این هنگام طرح ادعاهایی نظیر تلاش جهت دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی، حمایت از تروریسم بین‌المللی، نقض حقوق بشر و مخالفت با روند صلح خاورمیانه، در راستای مهار و سد نفوذ انقلاب ایران و منزوی کردن ایران در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای، تدوین شد و جلوگیری از شرکت ایران در ترتیبات امنیت منطقه‌ای، اجرای سیاست «مهار دوجانبه» و قانون داماتو به عنوان مهم‌ترین اصول این اهداف مورد توجه قرار گرفت.

در مارس ۱۹۹۳ مارتین ایندایک و آنتونی لیک تلاش‌هایی را برای اعمال محدودیت‌های مضاعف علیه ایران به کار گرفتند و استراتژی جدید آمریکا در برخورد با جمهوری اسلامی ایران را براساس مولفه‌های مهار تنظیم کردند. بر این اساس قانون «مهار دوگانه ایران و عراق» در سال ۱۹۹۳ توسط مارتین ایندایک مسئول امور خاورمیانه در شورای امنیت ملی دولت کلینتون مطرح و در آوریل ۱۹۹۴ توسط مقاله‌ای به قلم آنتونی لیک در مجله سیاست خارجی به عنوان سیاست رسمی دولت آمریکا منتشر شد. سیاست مهار دوجانبه که شامل تحریم‌های اقتصادی گوناگونی علیه ایران و عراق می‌شد، هدف اصلی خود را مهار همزمان ایران و عراق از طریق محاصره اقتصادی و تکنولوژیک و تسلط کامل آمریکا بر منطقه استراتژیک خلیج فارس از طریق انزوای بین‌المللی ایران و عراق قرار داده بود.

این سیاست که انزوا و تضعیف دو کشور ایران و عراق را مدنظر داشت، در صدد ممانعت از کنترل منطقه توسط ایران و عراق به سود اسرائیل و کشورهای محافظه کار عرب بود. این جریان بیانگر سیاست‌های جدیدی بود که بر اساس آن محدودیت‌های اعمال شده علیه ایران تشدید می‌شد. از این رو اعمال سیاست مهار منجر به تشدید محدودیت‌های ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران شد.^۴

وادن کریستوفر، وزیر امور خارجه امریکا، در تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۷۳ در اجلاس ویژه امریکاییان - یهودیان که در واشنگتن برگزار شد، اعلام کرد:

«ایران به اعتقاد من، کشوری متمرّد است و از این رو، باید این کشور را تحریم و در سطح جهانی منزوی کرد... واشنگتن تلاش خواهد کرد تا متحدان اروپایی و آسیایی روابط خود با ایران را به شدت تقلیل دهند و امتیازی برای ایران قائل نشوند و از پیوستن این کشور به جامعه ملل استقبال نکنند. ایالات متحده سخت می‌کوشد تا بر مبنای احساس ضرورتی که به انزوای ایران می‌کند، این کشور را منزوی نماید و از نظر اقتصادی و مالی تحت فشار قرار دهد.»^۵

همزمان با تصویب و اجرای سیاست مهار دو جانبه، قانون دیگری تحت عنوان قانون «داماتو» یا تحریم ایران و لیبی (ILSA) نیز در ۵ آگوست سال ۱۹۹۶ به تصویب کنگره ایالات متحده امریکا رسید.

داماتو، سناتور سابق آمریکا از ایالت نیویورک و ایتالیایی الاصل بود. وی از جمهوری خواهان محافظه کار و از حامیان ریگان و بوش پدر و به خصوص از طرفداران جدی اسرائیل به شمار می‌رفت که در خصومت با جمهوری اسلامی ایران و جهان اسلام ثابت قدم محسوب می‌گردید. داماتو طرح تحریم اقتصادی و فنی ایران را در اوایل دهه ۹۰ به مجلس سنا عرضه کرد که به تصویب رسید و به اجرا درآمد.

با این حال اروپاییان به هنگام طرح و تصویب قوانین فرامرزی آمریکا با هدف مجازات شرکت‌های خارجی سرمایه گذار در صنایع نفت و گاز جمهوری اسلامی ایران موسوم به داماتو، قاطعانه در برابر چنین رویکردی موضع گرفتند. شرکت فرانسوی توتال، با شکیبایی دولت فرانسه و اتحادیه اروپا نخستین سرمایه گذار خارجی در صنایع نفت ایران بود که در عمل، قانون آمریکایی داماتو را زیر پا گذارد. اتحادیه اروپا از طریق شرکت توتال و قرارداد دو میلیارد دلاری سرمایه گذاری آن در میدین عظیم گاز حوزه پارس جنوبی، عملاً سیاستمداران و قانون گذاران را به چالش طلبید و ناکامی آنان را در اعمال فشار اقتصادی بین‌المللی بر ضد ایران، رقم زد.

داماتو در معرفی (قانون تحریم‌های جامع ایران) به مجلس سنا گفت که این تدابیر مانع از خرید نفت ایران توسط شرکت‌های آمریکایی برای فروش مجدد آن در بازار آزاد می‌شود؛ بازاری که ۳/۵ میلیارد دلار نصیب ایران می‌کند. وی همچنین گفت که این قانون ۷۵۰ میلیون دلار فروش کالا با کاربرد دوگانه به ایران را قطع خواهد کرد: «ایران از این کالاها برای برنامه‌های نظامی و هسته‌ایی خود استفاده می‌کند... ایران تلاش می‌کند خود را تا دندان مسلح کند و ما خیلی راحت از کنار این قضیه می‌گذریم، خرید اقلام نظامی ایران از کشورهای چین و کره شمالی به اضافه اقلام خریداری شده از آمریکا که کاربرد دوگانه دارد می‌تواند خطرناک باشد، ما نباید جنسی به ایران بفروشیم که بعدها با آن به شکار خود ما بیاید».

ادعای فعالیت‌های تروریستی در سطح منطقه‌ای و جهانی، تهدید صلح و امنیت جامعه جهانی و تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی از جمله دلایل اتخاذ چنین تصمیمی از سوی دولت کلینتون اعلام شد.

این قانون تحت تأثیر گروه‌های ذی نفوذ صهیونیستی و با اهدافی نظیر تضعیف بخش انرژی ایران، ممانعت از ورود جریان سرمایه به این بخش، محروم کردن ایران از ذخایر مالی و تضعیف توانمندی‌های استراتژیک ایران به تصویب رسید. این قانون در ۵ آگوست سال ۲۰۰۱ دوباره تمدید شد.

در تمام این سال‌ها دولت آمریکا با تعریف ایران به عنوان تهدیدی فوق‌العاده برای امنیت ملی، سیاست خارجی و اقتصاد آمریکا، ممنوعیت‌ها و تحریم‌های مختلفی را جهت سرمایه‌گذاری و داد و ستد با جمهوری اسلامی ایران وضع کرده است که از آن جمله می‌توان به فرمان اجرایی (۱۲۹۵۷) مورخ ۱۵ مارس ۱۹۹۵ اشاره کرد. این فرمان که توسط بیل کلینتون صادر شد، شامل ممنوعیت معاملات مشخص در مورد توسعه منابع نفتی ایران می‌شود.

فرمان اجرایی دیگر (۱۲۹۵۹) که مهم‌ترین قانون حاکم بر معاملات بازرگانی آمریکا با ایران نیز به شمار می‌آید و شامل ممنوعیت کامل داد و ستد و سرمایه‌گذاری آمریکا با ایران است در ۶ مه ۱۹۹۵ طرح شد. همچنین فرمان اجرایی ۱۳۰۵۹ که در ۱۹ آگوست ۱۹۹۷ به تصویب کنگره ایالات متحده آمریکا رسید مکمل فرمان پیشین (۱۲۹۵۹) است و ممنوعیت داد و ستد و سرمایه‌گذاری اتباع آمریکایی را در ایران فراهم می‌کند.

قانون تشدید مجازات‌های کشورهای که توسط آمریکا تحریم می‌شدند نیز در سال ۱۹۹۶ تصویب شد که فشارهای چندجانبه و چندلایه‌ی را علیه ساخت اقتصادی و تکنولوژیک

جمهوری اسلامی ایران اعمال می کرد. به موجب قانون ضد تروریستی مصوبه ۱۹۹۶ کنگره آمریکا، تحریم‌های ثانویه علیه کشورها و نهادهایی انجام می گرفت که از ایران حمایت تکنولوژیک و اقتصادی به عمل می آورند. دولت و کنگره آمریکا بر این اعتقاد بودند که با قطع حمایت شرکت‌های غربی از ایران و ایجاد محدودیت برای ارتقا و بهبود صنایع نفتی، دولت ایران دچار مشکلات اقتصادی شدیدی خواهد شد و بر اساس آن، زمینه تغییر در رفتار ایران فراهم خواهد شد. با این حال قانون فوق نیز نتیجه خاصی در پی نداشت زیرا دولت‌های اروپایی و ژاپن از اعمال قوانین داخلی آمریکا به عرصه بین‌المللی انتقاد کردند و بدین ترتیب موج جدید تحریم علیه ایران را ناکارآمد باقی گذاشتند.^۶

برژینسکی، در یکی از سخنرانیهای خود صریحا اعلام کرد:

«تحریمهای آمریکا علیه ایران به دستاوردهای مهمی نرسیده است و باعث اختلاف بین آمریکا و متحدان او شده است. شاید این سیاست را دیگر نتوان ادامه داد و بهتر است به منافع دراز مدت آمریکا توجه کرد.»^۷

همزمان با طرح قوانین گوناگون، ایالات متحده آمریکا طی سال‌های گذشته اقدامات دیگری نیز برای منزوی کردن و مهار جمهوری اسلامی ایران انجام داده است که از آن جمله می توان به محدود کردن اعطای کمک‌های مالی مستقیم نظیر وام، اعتبار، ضمانت و اعتبارات بانک صادرات و واردات و دریافت کمک‌های مالی غیرمستقیم از طریق بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول اشاره کرد. همچنین ایالات متحده به کشورهای اروپایی برای ممانعت از سرمایه‌گذاری در ایران فشار آورده و مخالفت علنی خود را با مشارکت ایران در کنسرسیوم بین‌المللی استخراج نفت جمهوری آذربایجان ابراز کرده است. ایالات متحده همچنین تلاش کرد تا از اجرای قرارداد انتقال گاز ایران به هند و پاکستان جلوگیری کند و فشار زیادی بر هند وارد کرد تا از خرید گاز ایران خودداری کند.

در ادامه اقدامات خصمانه ایالات متحده علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، مجلس سنای آمریکا در ماه سپتامبر ۲۰۰۶، اعتبار قانون تحریم کمپانی‌های خارجی که در بخش انرژی ایران سرمایه‌گذاری یا به این کشور تسلیحات می فروشند را به مدت پنج سال دیگر تمدید کرد. در ویرایش جدید این سند، کمپانی‌های خارجی که تسلیحات معمولی نوین شده را به ایران عرضه می کنند نیز از این پس مشمول تحریم‌ها خواهند شد.

در مقدمه این قانون که «حمایت از آزادی در ایران» نامیده می شود، مدعی شده که هدف

از آن «فراخواندن ایران به پاسخگویی به خاطر رفتار تهدیدآمیز خود و حمایت از روی آوردن به دموکراسی در ایران است». قانون «حمایت از آزادی در ایران» همچنین به رئیس جمهور آمریکا اجازه می دهد که به میزان لازم از بودجه فدرال برای تامین مالی در آمریکا و خارج از کشور برای فعالیت در زمینه «حمایت و پیشبرد دموکراسی در ایران» از جمله تامین مالی رادیو و شبکه های تلویزیونی که در ایران پخش می شوند، هزینه کند. همچنین سند یاد شده قانون «تحریم علیه ایران و لیبی» که در سال ۱۹۹۶ تصویب شده بود را تا تاریخ ۳۱ دسامبر ۲۰۱۱ تمدید کرد.

۲. تحریم های هسته ای

با اوج گیری مسائل مرتبط با فعالیت های هسته ای ایران، یک بار دیگر تحریم های آمریکا علیه ایران شدت گرفت و واشنگتن در صدد طرح و اعمال تحریم های گوناگون اقتصادی و تکنولوژیکی بر ضد ایران برآمد. با این تفاوت که اگر تحریم های قبلی در کنگره آمریکا تصویب می شد، این بار آمریکا تلاش دارد با طرح فعالیت های صلح آمیز هسته ای ایران در شورای امنیت سازمان ملل متحد، تحریم های جدید را در چارچوب قطعنامه های این شورا اعمال کند.

در این راستا ایالات متحده پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، جمهوری اسلامی ایران را در پی دستیابی به سلاح های کشتار جمعی و برهم زنده صلح و ثبات بین المللی معرفی کرده و تمام تلاش خود را جهت ناکامی ایران در اجرای فعالیت های هسته ای و ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت به کار گرفت. بر این مبنا پرونده هسته ای ایران از سوی سه کشور اروپایی بریتانیا، فرانسه و آلمان و با حمایت های بی شائبه ایالات متحده آمریکا در شورای امنیت به تصویب قطعنامه های ۱۶۹۶، ۱۷۳۷ و ۱۷۴۷ منجر شد. در قطعنامه ۱۶۹۶ از ایران خواسته شده بود تا ۳۱ اگوست سال ۲۰۰۶ فعالیت های مربوط به غنی سازی اورانیوم را متوقف کند، چراکه در غیر این صورت با تحریم های اقتصادی و دیپلماتیک روبه رو می شد.^۸

عدم اعتنای ایران به قطعنامه فوق سبب طرح قطعنامه ۱۷۳۷ و اعمال تحریم هایی علیه ایران شد. قطعنامه ۱۷۳۷ که در ۲۳ دسامبر ۲۰۰۶ به تصویب اعضای شورای امنیت رسید، عملاً ایران را به فصل هفتم و ماده ۴۱ منشور ملل متحد کشاند. این قطعنامه تهران را با تحریم های مختصری نظیر ممنوعیت صدور مواد و تجهیزاتی که با فعالیت های اتمی ایران ارتباط مستقیمی داشته باشند، روبه رو کرد و دارایی های برخی مؤسسات و افراد مرتبط با

برنامه‌های هسته‌ای ایران در خارج از کشور را مسدود کرد. همچنین در این قطعنامه ذکر شده بود که در صورت بی‌اعتنایی مجدد ایران به قطعنامه فوق و عدم توقف فعالیت‌های هسته‌ای در مدت زمان مقرر ۶۰ روزه از سوی شورای امنیت، تهران با تحریم‌های سخت‌تری مواجه خواهد شد.

اگرچه قطعنامه فوق لحنی تند و ضرب‌الاجلی دو ماهه برای ایران تعیین کرده بود، با این حال جمهوری اسلامی ایران ضمن رد کردن و غیرعادلانه خواندن قطعنامه و انتقاد از برخورد دوگانه شورای امنیت، مصرانه بر ادامه فعالیت‌های صلح‌آمیز خود جهت دستیابی به فناوری هسته‌ای پای فشرد.

بدین ترتیب پس از پایان مهلت دو ماهه شورای امنیت و عدم اعتنای ایران به قطعنامه فوق، قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت پس از حدود یک ماه رایزنی در ۲۴ مارس ۲۰۰۷ به تصویب رسید. قطعنامه ۱۷۴۷ که پس از تعلل و ممانعت مقامات امریکایی از حضور محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور ایران در جلسه شورای امنیت به اتفاق آرا تصویب شد، ضمن مسدود کردن دارایی‌های بیست و هشت فرد و نهاد ایرانی مرتبط با برنامه‌های هسته‌ای ایران و جلوگیری از صادرات تسلیحاتی ایران، تحریم‌های تنبیهی جدیدی را نیز علیه تهران وضع کرده است و یک بار دیگر از ایران خواسته که طی ۶۰ روز آینده فعالیت‌های هسته‌ای خود را به حالت تعلیق درآورد. جمهوری اسلامی ایران نیز در پاسخ به قطعنامه فوق ضمن غیرقانونی توصیف کردن قطعنامه‌های شورای امنیت، همواره بر حق انکار ناپذیر خود در غنی‌سازی اورانیوم تاکید کرده و برنامه‌های هسته‌ای خود را در راستای مصارف صلح‌آمیز تشریح کرده است.

در عین حال ایران همکاری‌های گسترده خود را با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای شفافیت کامل فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ادامه می‌دهد. تا زمانی که برنامه کاری ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شانس موفقیت داشته باشد، حصول اجماع و اتفاق نظر در زمینه تصویب قطعنامه‌ای در ارتباط با تشدید تحریم‌های ضد ایرانی دشوار خواهد بود.^۹

اهداف آمریکا از تحریم‌ها علیه ایران

از هنگامی که تحریم اقتصادی آمریکا در مورد ایران به اجرا گذاشته شد، سؤال‌های زیادی درباره آن مطرح شده است. عده‌ای از منظر ابزار سیاست خارجی، درباره تحریم اقتصادی بحث کردند، برخی نیز تحریم اقتصادی را جایگزینی برای ابزار نظامی لحاظ نمودند، بدین

معنی که آمریکا، همچنان به دنبال نفوذ و مداخله در جمهوری اسلامی است و مناسب ترین ابزار، اقتصاد است. نگرش دیگر این است که اصولاً باید تحریم را بخشی از تلاش های راهبردی آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران، لحاظ نمود.^{۱۰}

بطور کلی باید گفت که آمریکا از اعمال تحریم های یکجانبه علیه ایران اهداف زیر را پیگیری می کند.

۱. کاهش توان اقتصادی، سیاسی و نظامی ایران

۲. تقویت موضع اپوزیسیون داخلی و خارجی ایران

۳. کاهش سرعت رشد تکنولوژی هسته ای

۴. ایجاد جو تهدید و ارباب در منطقه

۵. تعلیق مناسبات و مبادلات ایران با قدرت های منطقه و احتمالاً کشورهای توسعه یافته

دولت آمریکا در ادامه اقدامات خصمانه خود علیه جمهوری اسلامی، علاوه بر مسدود کردن دارایی های چند بانک و نهاد ایرانی، نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست تحریم های یکجانبه خود قرار داده است. موضوع تحریم سپاه پاسداران در اقدام اخیر دولت آمریکا مقوله تازه ای است که دلایل و انگیزه های خاص خود را داراست.

اول، آمریکا از ناحیه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به ویژه سپاه پاسداران با توجه به ماموریت های آن، نگرانی فوق العاده ای دارد. ارتقای توان رزمی نیروهای مسلح به ویژه سازمان رزم سپاه در سال های اخیر این امکان را فراهم کرده است که در صورت هرگونه تهدیدی از سوی دشمن، ضربات محکم و رعدآسا به دشمن وارد کند.

دوم، ارتباط ارگانیک و سازماندهی شده نیروی عظیم و مردمی بسیج با سپاه پاسداران علاوه بر فراهم آوردن پشتیبانی مردمی برای این نهاد، این امکان را فراهم می سازد تا در شرایط بحران، قدرت فوق العاده ای در اختیار داشته باشد؛ قدرتی که به مدد اندیشه های بلند امام خمینی (ره) تجربه موفق ۸ سال دفاع مقدس را با خود به همراه دارد و ارتش های بزرگ جهان از این نیروی عظیم بی بهره اند.

سوم، هدف دیگر و مهمتری که آمریکایی ها از تحریم سپاه پاسداران مد نظر داشته و دارند و باید از آن به عنوان هدف پنهان و پشت پرده کاخ سفید نام برد، ایجاد شکاف و برانگیختن حس بدبینی در جامعه از طریق معرفی کردن سپاه پاسداران به عنوان عامل مشکل ساز در کشور است.

اما به نظر می‌رسد کاخ سفید عاجزتر از درک عمیق جامعه ایرانی است، چراکه اولاً سپاه پاسداران آنچه را عمل می‌کند دقیقاً براساس ماموریت‌های تعیین‌شده و براساس منافع ملی و انقلابی است و مردم به خوبی آن را درک کرده و همواره حامی فرزندان فداکار خود در سپاه بوده و هستند.

ثانیاً چنانچه آمریکا به مخالفت برخی گروه‌های سیاسی داخل ایران امید بسته، کاملاً به خطا رفته است.

به نظر می‌رسد دفاع گسترده‌ای که تمامی احزاب و شخصیت‌های سیاسی اعم از اصولگرا و اصلاح‌طلب در ماجرای تروریستی معرفی کردن سپاه پاسداران از این نهاد به عمل آوردند، پاسخ محکم و قاطعی بود در همگرایی ایرانیان در حفظ منافع ملی انقلابی و ریختن آب پاکی بر دستان دشمن.^{۱۱}

تأثیر تحریم‌ها بر جمهوری اسلامی ایران

تحریم‌های آمریکا در گذشته صدمات کمی به اقتصاد ایران زده است. البته تحریم‌های آمریکا بدون شک از جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به سمت بخش انرژی ایران جلوگیری کرده و همچنین باعث شده تا ظرفیت تولید نفت و گاز کشورمان با سرعت کمتری گسترش پیدا کند، ولی صدماتی که در طول این مدت بر اقتصاد ایران وارد شده بیشتر به خاطر متغیرهای دیگری است. ممکن است تحریم‌های اعمالی آمریکا، ایران را از وارد کردن قطعات یدکی برخی سلاح‌های متعارف ساخت آمریکا باز داشته باشد، ولی نتوانسته این کشور را از وارد کردن سلاح، ساخت سیستم موشکی و پیشرفت برنامه تحقیقات هسته‌ای باز دارد. بنابراین تحریم آمریکا می‌تواند تأثیر کمی در توانایی‌های کلی جمهوری اسلامی ایران در زمینه تولید و صادرات داشته باشد.^{۱۲}

تحریم‌های ایالات متحده در سال‌های ۹۶-۱۹۹۵ هزینه‌هایی را به اقتصاد ایران و به ویژه شرکت ملی نفت ایران تحمیل کرد، اما این هزینه‌ها در بیشتر مواقع به دلیل افزایش قیمت جهانی نفت ناشی از نگرانی درباره کمبود عرضه خنثی شد. به عبارت دیگر، اگرچه آمریکا در اعمال تحریم‌های خود و در نتیجه محدود ساختن تولید ایران با موفقیت روبه‌رو شد، سبب افزایش قیمت جهانی نفت و در نتیجه درآمدهای صادراتی ایران شد. با توجه به صادرات ایران (نزدیک به ۲/۴۵۰ میلیون بشکه در روز)، هر یک دلار افزایش در قیمت جهانی نفت خام، سالانه حدود یک میلیارد دلار به درآمدهای صادراتی کشور می‌افزاید.

تحریم‌های یک جانبه آمریکا بر ضد ایران تأثیرهای سیاسی و اقتصادی نیز بر جای گذاشته است. افراط در استقراض خارجی در سال‌های نخستین پس از تحریم، به رکود اقتصادی در سال‌های ۹۴ - ۱۹۹۳ منجر شد، اما ایران با سیاست‌های صرفه جویانه در سال‌های ۹۶ - ۱۹۹۴ و درآمدهای نفتی بالا توانست سهم چشمگیری از وام‌های خارجی خود را بازپرداخت کند. مهم‌ترین اثر تحریم‌های آمریکا در بلندمدت می‌تواند کاهش سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز کشور باشد که ممکن است به دست نیافتن به سقف تولید مورد نظر ایران منجر شود.^{۱۳}

مردم ایران آنچنان که گذشته ثابت کرده است می‌توانند در شرایط سخت دوام بیاورند. از سوی دیگر با تدوین بودجه سایه و یا بودجه اضطراری که بخشی از درآمدهای نفتی را در خود جا می‌داده است، بیم‌ها به امید تبدیل شده‌اند. ۱۱ دولتمرد ایرانی پس از صدور قطعنامه به رسانه‌ها گفتند که تحریم ایران به طور قطع برنامه‌های رفاهی و عمرانی را با خطر مواجه می‌کند، اما شاید فرصتی باشد تا در آن ایران از بسیاری جهات خودکفا شود. وزیر اقتصاد ایران نیز چندی پیش گفت: با وجود حساب ذخیره ارزی می‌توان زمانی که درآمدهای نفتی کاهش می‌یابد از این محل استفاده کرد و اساساً بودجه سایه و بودجه اضطراری نیز به همین منظور تدوین شده‌اند.

وزیر نفت ایران نیز معتقد است تهدیدات و تحریم‌های اقتصادی موجب عقب نشینی شرکت‌های خارجی از حضور در بخش نفت و گاز ایران نخواهد شد و فقط موجب به مخاطره افتادن امنیت عرضه انرژی در جهان می‌شود.^{۱۴} لذا سرمایه‌گذاری در بخش نفت و انرژی نگران‌کننده نیست، زیرا در سال‌های گذشته که ایران مورد تحریم قرار گرفت باز هم شرکت‌ها تمایل به سرمایه‌گذاری در ایران داشتند.

بارها مسئولین کشور ما گفته‌اند این محدودیت‌ها، فشارها و تحریم‌ها آثار بسیار محدودی در کشور دارد و هیچ‌گاه جمهوری اسلامی ایران بر اساس این فشارها برنامه‌های صلح‌جویانه خود را در زمینه انرژی هسته‌ای تغییر نخواهد داد.

این نکته را هم مسئولین کشور تکرار کرده‌اند که زیانکار اصلی در این فشارها و تحریم‌ها خود آن دسته کشورهای غربی هستند که خود را تسلیم موجهی می‌نمایند که آمریکا برای حفظ و صیانت از منافع یکجانبه‌گرایانه و خودسرانه خود در جهان ایجاد کرده است.^{۱۵}

آثار تحریم‌های جدید آمریکا در داخل ایران نیز قابل بررسی است؛ جدا از هر میزان تأثیری که این تحریم داشته باشد، واقعیت این است که آثار روانی و تبلیغی تحریم همیشه

بیشتر از آثار واقعی آن است. تحریم‌های آمریکا علیه ایران و مؤسسات ایرانی از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شده و همواره با فراز و نشیب‌های مختلفی تا به امروز ادامه یافته است. به غیر از چند مقطع بسیار کوتاه که برخی اقلام دارویی و مواد غذایی از فهرست تحریم‌های آمریکا علیه ایران کنار گذاشته شده همواره در ۳۰ سال گذشته ایران در تحریم آمریکا قرار داشته و هیچ‌گونه کالا و خدماتی که جنبه استراتژیک و با اهمیتی داشته باشد، وارد ایران نشده است. قانون ایلسا (تحریم نفتی ایران و لیبی) هم عملاً مانع هرگونه سرمایه‌گذاری آمریکا در صنایع نفتی ایران شده است.

با توجه به واقعیت‌های فوق، می‌توان گفت که در دور جدید تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران که شامل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و چند بانک ایرانی از جمله بانک ملی، صادرات و ملت است عملاً اتفاق جدیدی نخواهد افتاد جز آنکه از طریق فضا سازی علیه ایران هزینه‌های معامله با ایران را بالا ببرند.

مرکز حسابرسی آمریکا - بازوی تحقیقاتی و نظارتی کنگره این کشور - ضمن تأکید بر اینکه تحریم‌های بانکی علیه ایران با شکست مواجه شده است، اعلام کرد:

تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه ایران به منظور منزوی ساختن این کشور و تحت فشار قرار دادن آن در چشم‌پوشی از حق توسعه انرژی هسته‌ای تأثیرگذار نبوده؛ چرا که ایران توانسته است از سال ۲۰۰۳ تا کنون ۲۰ میلیارد دلار قرارداد توسعه بخش‌های نفت و گاز با شرکت‌های خارجی منعقد کند.

به گزارش رویترز، مرکز غیرحزبی حسابرسی آمریکا که نقش سازمان بازرسی را در ایالات متحده بر عهده دارد، در گزارش فوق تأکید کرده که با وجود خوشبینی دولت و وزارت خزانه‌داری آمریکا، تأثیر تحریم‌های اقتصادی واشنگتن علیه ایران ناپیداست و تعیین میزان موفقیت آن دشوار است.

همچنین این گزارش نشان می‌دهد که تحریم‌های سخت بانکی علیه بانک‌های ایران به علت هوشمندی شبکه بانکی ایران در تغییر طرف‌های بانکی طرف معامله خود و تغییر مبادلات دلاری، با شکست مواجه شده است.

در ادامه این گزارش آمده است: گره خوردن روابط تجاری ایران با جهان و نقش تعیین کننده ایران در نفت جهان، کار آمریکا را برای انزوای اقتصادی ایران مشکل کرده است.

این گزارش می‌افزاید: افزایش تقاضای نفت در بازارهای جهانی و قیمت بالای نفت و داشتن

منابع عظیم نفتی، باعث شد تا ایران در سال ۲۰۰۶ بالغ بر ۵۰ میلیارد دلار درآمد نفتی داشته باشد.

همچنین از سال ۱۹۸۷ تا سال ۲۰۰۶ میزان صادرات ایران از ۸ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار به ۷۰ میلیارد دلار رسید؛ در حالی که میزان واردات در این مدت از ۷ میلیارد به ۴۶ میلیارد دلار رسیده است.^{۱۶}

با توجه به اذعان مرکز حسابرسی آمریکا می توان گفت این تحریمها نتوانسته آسیب جدی به ایران بزند اما اینکه گفته می شود با این تحریمها عملاً اتفاق جدیدی رخ نخواهد داد، به این معنی نیست که به آثار اقتصادی این تحریم و افزایش هزینه های آن بی توجه باشیم بلکه اساس، طرح این نکته است که آمریکا با آگاهی به آثار تحمیل هزینه به اقتصاد ایران از طریق اعمال تحریمها، تلاش دارد تا اقتصاد کشور را ناکارآمد سازد.

آمریکا می داند که تحریم نمی تواند در تصمیمات استراتژیک ایران تغییری ایجاد کند اما می تواند هزینه های تصمیمات استراتژیک را افزایش دهد و این موضوعی است که باید مورد توجه قرار گیرد. با مطالعه تاریخ جنگ سرد بین آمریکا و شوروی و هزینه های نظامی تحمیل شده توسط آمریکا به شوروی (ناشی از رقابت های تسلیحاتی) می توان به این نتیجه رسید که در مقاطعی آمریکایی ها از طریق تحمیل هزینه ها به طرف مقابل تلاش می کنند تا ناکارآمدی را در بخش های مختلف اداری و اقتصادی طرف مقابل افزایش دهند و در عین حال که خود می دانند تحریم اثر مستقیمی در آنچه به دنبال آن هستند ندارد اما به این امر واقفند که از طریق افزایش هزینه ها و آثار روانی ناشی از تحریم، می توانند در اراده طرف مقابل خود خلل وارد سازند.

با توجه به آنچه گفته شد، در شرایط حاضر - که به جهت نوع تعاملی که بین ایران و آژانس شکل گرفته و حمایت روسیه و چین از این تعامل - آمریکا برای پیشبرد اهداف خود، تحریم های یکجانبه را مشی خود قرار داده است و با توجه به سابقه تحریم های آمریکا علیه ایران، آثار دور جدید تحریم های یکجانبه از طریق افزایش هزینه ها بر اقتصاد ایران و تاثیرات روانی و تبلیغی آن قابل مطالعه و بررسی است.

اگر بحث افزایش هزینه ها را با موضوع افزایش قیمت نفت ناشی از شرایط موجود در یک معادله قرار دهیم، امکان مدیریت تاثیرات ناشی از افزایش هزینه ها بر اقتصاد کشور را خواهیم داشت. بنابراین آنچه ضروری است بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد، آثار تبلیغی و روانی

است که اثری بیش از وزن واقعی خود دارد. در اقتصاد ایران، عوامل ذهنی بیش از عوامل عینی تاثیر دارند. بعضا اثری که یک شایعه در اقتصاد ایران می‌گذارد، از آثار تحولات عینی به مراتب بیشتر است. لذا توجه به آثار روانی و تبلیغی تحریم بیش از آثار عینی آن ضروری است.^{۱۷} اما اینکه چرا این تحریم‌ها نمی‌تواند در جمهوری اسلامی ایران موثر باشد، توجه به موارد زیر خالی از لطف نیست.

۱. واقعیت این است که اعمال این فشارها علیه جمهوری اسلامی ایران تازگی ندارد از همان آغاز استقرار نظام، شاهد انواع این تحریم‌ها و فشارها بوده‌ایم اگر قرار بود تحریم‌ها و محدودیت‌ها بتواند سرنوشت کشور ما را تغییر دهد ظاهرا می‌بایست این تحول در دهه‌های قبل رخ می‌داد. امروز که نظام اسلامی مقتدر و استوار ایستاده است و در جهت اعتلا و عزت ملت بزرگ ایران گام برمی‌دارد، کودکانه است کسانی انتظار تغییر سیاست‌های بنیادین نظام را در اثر این نوع فشارها داشته باشند. امروز اقتصاد ایران راه خود را در مقابله با این فشارها یافته و یا به عبارت دیگر مصونیت لازم را در مقابل این ویروس‌ها پیدا کرده است.

۲. ویژگی اقتصاد ایران و تنوع آن و موقعیت جغرافیایی کشور طوری است که فرصت‌ها را برای اعمال فشار کشورهای خارجی بسیار کاهش می‌دهد.

۳. بازارهای مالی جهان آنقدر وسیع، گسترده و متنوع است که امکان کنترل و مهار آن از طریق این نوع تحریم‌ها عملی نگردد.

۴. تجربه دولتمردان در بیش از دو دهه در اجرای برنامه‌ها ضد تحریم و مقابله با استکبار بعنوان یک سرمایه ملی نقش مهمی در کاهش تاثیر تحریم‌ها و فشارها داشته است.

۵. عدم موفقیت آمریکا و برخی از کشورهای غربی در انزوا قرار دادن جمهوری اسلامی نقش کشورهای خودسر را در اعمال فشار بسیار کم اثر کرده است.

۶. موقعیت بسیار حساس و جذاب ایران در سرمایه‌گذاری مانع از توفیق آمریکا در اعمال فشار شده است.^{۱۸}

۷. ظرفیت‌های اقتصاد جهانی مانع از آن می‌گردد که حتی با اعمال فشار امکان دسترسی جمهوری اسلامی به کالاهای مورد نظر ممکن نباشد. قدر مسلم است ایران از این تحریم‌ها به زحمت خواهد افتاد و مجبور می‌شود نیازهای خود را با هزینه بیشتری تامین کند. اما از آنجایی که این تحریم‌ها و فشارها باعث افزایش قیمت نفت و فرآورده‌های نفتی می‌گردد، چنان که هم اکنون بهای نفت از مرز هر بشکه ۱۰۰ دلار گذشته است، بر روی هم درآمد

کشورهای صادرکننده نفت و هزینه کشورهای غربی افزایش خواهد یافت و این به نفع اقتصاد ایران و به زیان اقتصاد جهان خواهد بود. با توجه به نرخ و میزان تقاضا برای نفت، ایران اهرم‌های فشار لازم در برابر کشورهای دارد که به نفت آن نیاز دارند. علاوه بر این ایران از ذخایر عظیم مبادلات خارجی بهره‌مند است.^{۱۹}

۸. کشورهای اروپایی در افزایش قیمت نفت که به بی‌ثباتی اقتصاد جهان می‌انجامد بیش از آمریکا زیان خواهند کرد.

۹. افزایش قیمت نفت با افزایش صادرات تا حدی جبران می‌گردد. اروپا به عنوان بزرگترین شریک تجاری ایران در صورت پیوستن به تحریم‌های خودسرانه آمریکا باعث خواهد شد سطح قیمت‌ها در کشورهای اروپایی، افزایش یابد و نرخ بیکاری رشد پیدا کند. زیرا بازار بزرگ ایران را از دست می‌دهند و دسترسی آنها به نفت باز هم سخت‌تر می‌شود.

۱۰. عزم ملی، اتحاد و انسجام ملت ایران همچنان که در طول تاریخ نشان داده هر دشمنی را به زانو درآورده و هر اندیشه پلیدی را سرکوب کرده است.

۱۱. شکست انواع تحریم‌ها و فشارهای برخی کشورهای غربی به ایران به وضوح نوید می‌دهند این بار نیز نتیجه‌ای جز شکست عاید دشمنان ایران نخواهد شد.^{۲۰}

۱۲. عدم همراهی کشورها با آمریکا از دیگر عواملی است که باعث شکست تحریم‌ها علیه ایران می‌شود. تحریم‌های آمریکا زمانی می‌توانست از یک تأثیر نسبی برخوردار شود که با همراهی کشورهای جهان مواجه گردد. اما شاهد هستیم که بسیاری از کشورها روی خوشی به آن نشان نداده‌اند بنابر این مشاهده می‌گردد آمریکا بدون آنکه بتواند دیگر کشورها را همراه خود کند از شانس بسیار کمتری برای توفیق در اعمال فشار و نتیجه لازم برخوردار است و این بار نیز سیاست تحریم آمریکا همچون گذشته با شکست روبرو خواهد شد.

تأثیر تحریم ایران بر آمریکا

تحریم‌های یک جانبه آمریکا گرچه برای ایران مشکلاتی را به وجود آورده، سبب شده است که شرکت‌های آمریکایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری قابل توجهی را به ویژه در صنعت نفت ایران از دست دهند که برای منافع بلند مدت آنها پیامدهای پرهزینه‌ای دارد. در نیمه دوم دهه ۹۰، ایران نزدیک به ۵۰ پروژه را به مزایده گذاشت که تنها در زمینه نفت و گاز، ارزش قراردادهای امضا شده افزون بر ۲۵ میلیارد دلار بود. در صورت نبود تحریم اقتصادی، احتمالاً بخش قابل

توجهی از این قراردادهای نصیب شرکت‌های آمریکایی می‌شد. سیاست تحریم اقتصادی آمریکا همچنین زبان‌های هنگفتی برای منافع سیاسی آمریکا در منطقه داشته است. در مجموع، تحریم اقتصادی آمریکا، ایران را به سوی روسیه، چین و کره راند. در دو دهه گذشته روسیه و چین مبادلات اقتصادی خود را با ایران به میزان چشمگیری افزایش داده‌اند. اکنون ایران نه تنها بازاری مهم برای صادرات چین و روسیه است، بلکه بسیاری از پروژه‌های بزرگ صنعتی، زیرساختی، تأسیساتی و نظامی ایران نصیب این دو کشور شده است. بیشتر این پروژه‌ها سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت بوده است که به هر حال برای چین و روسیه نیز فرصت سرمایه‌گذاری و فعالیت در خارج از مرزهای خود را ایجاد کرده است. برای مثال، با وجود تحریم اقتصادی آمریکا، شرکت ملی نفت ایران موفق به امضای ۱۶ قرارداد بیع متقابل با شرکت‌های مختلف برای سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایران شده است. در طول این سال‌ها اگر چه شرکت‌های آمریکایی از حضور در ایران محروم بودند، اما شرکت‌های کره‌ای، چینی و هلندی و... بیکار نبودند. در زمینه گاز نیز، وضعیت مشابهی وجود دارد که تمام آن با شرکت‌های غیر آمریکایی بوده است.^{۲۱}

برای آمریکا چشم پوشی از نفت ایران سخت خواهد بود، زیرا ایران هم اکنون دو میلیون و ۴۵۰ هزار بشکه نفت در روز صادر می‌کند که حذف این مقدار عرضه در بازار جهانی، قیمت نفت را پس از تحریم به ۱۵۰ - ۲۰۰ دلار افزایش خواهد داد و نرخ رشد اقتصاد جهانی را نصف می‌کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشتها:

۱. شبکه اطلاع‌رسانی نفت و انرژی (شانان)، «تحریم و تأثیرهای آن»، ۲۴ مرداد ۱۳۸۴.
http://www.aftab.ir/articles/economy_marketing_business/oil_gas/c2c1124119544pl.php
۲. محمد کرامتی، «نیم قرن شرارت (نگاهی به اقدامات خصمانه آمریکا علیه ایران)»،
<http://www.porsojoo.com>
3. <http://www.hamshahri.org/News/?id=8559>
۴. شعیب بهمن، «سیاست تحریم»، ۲۵ / ۱۰ / ۸۶.
http://www.aftab.ir/articles/politics/iran/clc1190278596_boycott_pl.php
۵. حسن واعظی، «ایران و آمریکا (بررسی سیاستهای آمریکا در ایران)»، تهران: سروش (انتشارات صدا و سیما)، ۱۳۷۹، ص ۱۸۵.
۶. شعیب بهمن، پیشین.
۷. محمد کرامتی، پیشین.
۸. شعیب بهمن، پیشین.

۹. «اروپا تمایلی به تحریم ایران ندارد»، خبرگزاری آفتاب، ۱۸ شهریور ۱۳۸۶.

۱۰. کاظم شیخ‌لر، «۲۷ سال تحریم»، ۱۵ / ۱۰ / ۸۶.

http://www.aftab.ir/articles/politics/world/c1c1148373299_economic_sanction_p1.php

11. <http://www.hamshahrionline.ir/New/?id=36541>

۱۲. شبکه اطلاع‌رسانی نفت و انرژی (شاننا)، پیشین.

۱۳. همان.

14. http://www.aftab.ir/articles/politics/iran/c1c1168246294_embargo_p1.php

۱۵. عباس وکیل، «علل شکست تحریم‌های اقتصادی آمریکا»، ۱۹ آبان ۱۳۸۶.

http://www.shomanews.ir/2007/11/post_1686.php

16. <http://www.hamshahrionline.ir/News/?id=43803>

۱۷. رسول موسوی، «بحرانی شدن روابط ایران و آمریکا در چارچوب تحریم‌های یکجانبه؛ مدیریت بحران».

ویژه‌نامه همشهری دیپلماتیک، ۱۵ آبان ۱۳۸۶.

۱۸. عباس وکیل، پیشین.

19. <http://www.farsnews.net/net/newstext.php?nn=8608070184>

۲۰. عباس وکیل، پیشین.

۲۱. شبکه اطلاع‌رسانی نفت و انرژی (شاننا)، پیشین.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی